

از اولین شهرک های سینمایی که در حومه لس آنجلس شکل گرفت تا «پارک یانگوم بزرگ» کره جنوبی و... معلوم می شود که پدیده شهرک های سینمایی، پدیده ای فراگیر است. حال آن که ساخت فیلم و سریال های امروزی هم در میانه شهرها، چندان مرسوم نیست



آنها را تحت تاثیر قرار داده است. سایه ای که به دلیل تسریع در ساخت، کاهش هزینه ها و دستمزدها به سرعت سنگین تر می شود. با این حال، هر دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری در کنار هم معنا پیدا می کنند. طراحی، ساخت، نگهداری از دکورها که در مجموعه های موسوم به «شهرک های سینمایی» انجام می شود، خود به تنهایی بحثی مفصل است. از اولین شهرک های سینمایی که در حومه لس آنجلس شکل گرفت تا «چینه چیتا» یا شهر سینمای ایتالیا، «وین فیلم» اتریش، «پارک یانگوم بزرگ» کره جنوبی و... معلوم می شود که پدیده شهرک های سینمایی، پدیده ای فراگیر است. در کشورمان هم شهرک های سینمایی ایران (غزالی) و شهرک نور وجود دارد که اولی برای دهه ۲۰ و دومی برای صدراسلام ساخته شده است حال آن که ساخت فیلم و سریال های امروزی هم در میانه شهرها، چندان مرسوم نیست.

در روزگاری که شهرها از ازدحام ماشین در حال انفجار است جلوگیری از تردد مردم در خیابان محل زندگی شان سخت است ضمن این که حضور گروه های فیلمسازی علاوه بر ازدحام افراد کنجکاو، باعث به هم ریختگی حواس عوامل می شود. علاوه بر این استفاده از برق شهری برای نورپردازی هر مکان فیلمبرداری ممکن است باعث پریدن فیوز و مشکلاتی در ساختمان ها شود. به اینها می توان دردسرهایی نامه نگاری با مراجع قانونی را هم افزود. در کنار اینها، ساخت سریال و فیلم درباره شهرها در زمان انقلاب، جنگ و دهه ۶۰ هم به دلیل فضای درام خوبی که قصه ها دارند بستر مناسبی برای نوشتن فیلمنامه است اما شهرها، ساختمان ها و معماری شان عوض شده اند.

مردم ظاهری متفاوت پیدا کرده اند. ماشین های جدید با پلاک های متفاوت از راه رسیده اند و ماشین های کهنه جمع آوری شده اند. حتی استفاده از فضای جنوب تهران و شهرستان ها هم دیگر پاسخگو نیست، چون ساختمان هایی هم که از آن دوران وجود دارد دیگر کهنه شده و مثل اواخر دهه ۵۰ یا دهه ۶۰، نوساز نیستند. رنگ هایی که آن زمان مد روز بودند الان از مد افتاده اند و فضای مراکز تاریخ ساز و مهم مثل میدان انقلاب، فرودگاه مهرآباد، میدان آزادی و... هم نسبت به آن سال ها فرق کرده اند.

تمام این مشکلات وقتی بغرنج می شود که نمایش کمترین خطا می تواند باعث حساسیت مخاطب شود، چون زمان زیادی از دهه ۶۰ نمی گذرد، مخاطب هم خاطرات آن زمان یادش هست و هم تصاویر از آن سال ها در دسترسند.

این شرایط، چند راه را پیش روی سازندگان آثار نمایشی دوران انقلاب و جنگ قرار می دهد. حمید نعمت... و جلیل سامان که وسواس دارند در راه را پیش گرفتند. اولی برای ساخت

سریال «وضعیت سفید» خانه ای قدیمی در باغی متروک در مرتضی گرد پیدا کرد. در محیطی ایزوله کار کرد و عملاً برای کارش، شهرک سینمایی کوچکی ترتیب داد. دومی یعنی جلیل سامان برای ساخت «ارمغان تاریکی» و «پروانه» در تهران ماند، اما پلان به پلان را با دقت جلبورد تا فضا سازی درست باشد.

راه دیگر سازندگان سریال های «تا صبح» و «کیمیا» در پیش گرفتند و در کارخانه های

متروک، دکور زدند. هم این راه ها نشان می دهد که ما بیشتر از گذشته نیاز به ساخت شهرک سینمایی مخصوص دهه ۶۰ داریم به خصوص که ساخت آن، بستر مناسبی برای آثاری در این حوزه است چنانچه مرحوم علی حاتمی که برای «هزارستان»، شهرک غزالی را با محوریت تهران دهه ۲۰ ساخت، بستری برای سریال های «مدار صفر درجه»، «کیف انگلیسی»، «از یادها رفته» و... ایجاد کرد.



مهم ترین نیاز برای ساخت فیلم های دهه ۶۰ چیست؟

شهرک سینمایی دهه ۶۰ لازم داریم

زمان زیادی از دهه ۶۰ نمی گذشت، مخاطب خاطرات آن زمان را به یاد داشت. تصاویر زیادی هم از آن سال ها موجود بود. آنها تازه علاوه بر ظاهر و دکور سریال، از موسیقی آن سال ها هم استفاده کردند. مارش های نظامی، مداحی های خاطره انگیز آهنگران و موسیقی های ماندگار ناظری و کامکارها هم جزو بخش های شنیدنی این سریال است.

وسواس آنها باعث شد تا سریال بعد از ۱۹ ماه فیلمبرداری در اردیبهشت ۹۰ در شهرک سینمایی دفاع مقدس، تمام شود، اما ساخت سریال «وضعیت سفید» آن هم با چنین مشقتی، بار دیگر نشان می دهد

که ما معضلی به نام دکور داریم. شاید برای سینما و سیمایی که در اکثر مواقع مشکلات بنیادین در

زمینه طراحی، ساخت و نگهداری دکور دارد چنین بخشی از تولید یک اثر، نه یک هنر جذاب که یک عامل دردسرساز و پرهزینه باشد. عاملی که می تواند سازندگان را به سمت ساخت کارهای آپارتمانی کم هزینه سوق بدهد چون ساخت دکور، مصداق نقض «سری که درد نمی کند» است. اما همین معضل که تهدیدی برای ساخت آثار پرهزینه به

شمار می رود در خیلی از کشورهای نه چندان صاحب سبک سینما و تلویزیون، نه تنها بستر مناسبی برای ساخت فیلم و

سریال که بهانه ای برای جذب گردشگران، سینماگران خارجی و... شده و جایگاهی به عنوان «صنعت - اقتصاد» پیدا کرده است. علاوه

بر این نگاه به دکورها که جنبه سخت افزاری دارد، چند سالی است که ادغام ترفندهای نرم افزاری با هنر طراحی دکور، بر این جنبه سایه انداخته و ساخت فیزیکی

هشت سال از اولین پخش سریال «وضعیت سفید» می گذرد؛ سریالی ۴۲ قسمتی که پاییز سال ۹۰ روی آنتن شبکه سه سیما رفت. از آن زمان به بعد، این سریال، چند بار در جدول پخش شبکه های مختلف سیما قرار گرفته و این شب ها، شبکه افق آن را بازپخش می کند. آنچه در بازپخش

«وضعیت سفید» همچنان چشمگیر به شمار می آید پرداخت دقیق جزئیات است؛ جزئیاتی که حمید نعمت... و تیم سازنده سریال، از دهه ۶۰، جلوی چشمان مان گذاشته اند خیلی دقیق و با ریزه کاری چیده شده است. میزان این دقت به حدی است که همه کسانی که تجربه زندگی در دهه ۶۰ را دارند یاد خاطرات شان می افتند. از صف های نفت و نان، نیمکت های سه نفره، آثاری، کارت های ماشین و فوتبال تا کارتون های هاچ و پسر شجاع و... که تصویر مشترک همه ایرانی های دهه ۶۰ است در این سریال جمع شده.

حمید نعمت... در کنار یار همیشگی اش هادی مقدم دوست، در اولین سریال تلویزیونی شان، قصه اواخر دهه ۶۰ را روایت کردند. سال های موشکیان که چند خانواده به یک باغ پناه می برند.

راه دیگر سازندگان سریال هایی مثل «تا صبح» و «کیمیا» دکور زدن در کارخانه های متروک است. این نشان می دهد که ما بیشتر از گذشته نیاز به ساخت شهرک سینمایی مخصوص دهه ۶۰ داریم

احسان ناظم بکایی
روزنامه نگار



آنها با این ایده، آدم هایی با ویژگی های مختلف دهه ۶۰ را یک جا جمع کردند؛ ایده ای که سه سال آن را نوشتند، چکش کاری کردند و بالاخره در آبان ۸۸، فیلمبرداری آن را آغاز کردند.

تیم سازنده سریال برای این که درگیر تطبیق دادن تهران جدید با تهران آن سال ها نشود به باغی دورافتاده در روستای مرتضی گرد رفت. وسایل متروک و مهجور دهه ۶۰ را از انباری خانه هایشان بالا آوردند. آنها حتی موقع خانه تکانی دم عید مردم، در خیابان ها می گشتند تا اگر کسی چیزی از آن سال ها را دم در خانه اش گذاشته، بردارند و استفاده کنند. آنها می دانستند نمایش کمترین میزان خطا هم می تواند باعث حساسیت مخاطب شود.